



ProjeCenter

www.ProjeCenter.ir

 | [@projecenter](https://www.instagram.com/projecenter)

 | [@projecenter_ir](https://www.telegram.com/projecenter_ir)



...

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
مقدمه	۱
چارچوب نظری تحقیق:	۳
فرضیه‌ها:	۵
فرضیه مهم:	۵
فرضیه فرعی (۱):	۵
فرضیه فرعی (۲):	۵
فرضیه فرعی (۳):	۵
روش تحقیق:	۵
مشکلات و موانع	۶
اصطلاحات و واژه‌های کلیدی:	۷
(۱) فصل اول:	۹
(۱-۱) توسعه و مفاهیم آن	۹
تبیین پدیده توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی	۱۴
زیر دست بودن زنان در جامعه به ویژه از نظر اجتماعی	۱۶
از نظر جمعیتی:	۱۷
از نظر فرهنگی و آموزشی:	۱۷
از نظر اقتصادی و اجتماعی:	۱۷
از نظر بهداشتی و درمانی:	۱۷
از نظر جغرافیایی، از نظر فنی و تکنیکی، از نظر پولی و مالی، از نظر سیاسی	۱۷
(۱-۲) توسعه اقتصادی	۱۸
(۱-۳) مطالعه اجمالی عوامل موثر بر توسعه اقتصادی	۲۰
ماهیت ساخت صنعتی کشور	۲۱
درجه وابستگی کشور به قدرتهای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی خارجی	۲۲
آموزش و پرورش	۲۳
(۱-۴) بررسی وضعیت توسعه‌ای ایران طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۷۶	۲۴

۲۷	فصل دوم
۲۷	(۲-۱) مطالعه وضعیت گذشته و موجود تحصیلات زنان در ایران/ بررسی روندها
۳۸	فصل سوم
۳۸	(۳-۱) تأثیر تحصیلات زنان بر عامل فرهنگی – اجتماعی توسعه اقتصادی
۴۱	دارایی‌ها
۴۲	مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی
۴۵	باز تعریف هویت اجتماعی در میان زنان دارای تحصیلات دانشگاهی
۵۰	باز تعریف هویت اجتماعی در میان زنان فاقد تحصیلات دانشگاهی
۵۳	(۳-۲) تأثیر تحصیلات زنان بر عامل انسانی توسعه اقتصادی
۵۷	وضعیت زناشویی و سواد
۵۸	باروری و سواد
۵۹	سواد و تعداد فرزندان
۶۰	سطح تحصیلات و تعداد فرزندان
۶۲	سواد و تعداد فرزندان فوت شده
۶۳	(۳-۳) تأثیر تحصیلات زنان بر عامل اقتصادی توسعه اقتصادی
۶۴	تولید ناخالص سرانه
۶۴	نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی
۷۴	فصل چهارم
۷۴	جمع بندی و پیشنهاد
۷۴	(۴_۱) خلاصه نتایج به دست آمده در ضمن پژوهش
۷۷	چالش‌های فراوری نقش واقعی زنان در توسعه‌ی
۷۸	چالش‌های فراوری ما
۸۲	(۴_۲): بررسی فرضیه‌ها:
۸۳	(۴_۳): پیشنهاد برای روش تحقیق در مطالعات بعدی
۸۴	کتابنامه
۸۶	منابع

مقدمه

افزایش مشارکت زنان در توسعه، شاید پیش از آنکه موضوعی اجتماعی باشد، بحثی اقتصادی است و افزایش زنان تحصیل کرده می تواند شاخصی برای پیشرفت محسوب شده و فرصتی برای سرعت بخشیدن به روند توسعه و نیز رویارویی با چالش ها و پیامدهای تغییر و تحول ناشی از رشد و توسعه فراهم آورد. بررسی تأثیرات آموزش در سطوح مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی زنان نشان از بهبود موقعیت زنان در زندگی فردی و اجتماعی داد. این امر آنها را در مراحل بعدی در ایفای نقش های متعدد و متنوع اجتماعی، چه در جایگاه مادر در امر تربیت فرزند چه در جایگاه نیروی انسانی ماهر و متخصص در عرصه کار و مدیریت و به طور کلی به عنوان یک شهروند مسئول و آگاه و زیر مجموعه ای از سرمایه های انسانی، تواناتر می کند، که نبود آن دور باطلی را ایجاد می کند که محرومیت های زنانه و فقر زنانه و به دنبال آن کندی بسیار در روند توسعه در اجتماع بروز می کند. دقیق تر آن است که به این محرومیت ها هم به عنوان علت و هم به عنوان معلول در این سیکل باطل نگاه کنیم: در جامعه ای با میزان آگاهی، دانش اجتماعی و درآمد ناچیز، والدین در سرمایه گذاری برای دخترانشان کوتاهی می کنند زیرا از آنان انتظار ندارند که در امور اقتصادی خانواده مشارکت داشته باشند. دختران بدون تحصیلات و با آگاهی ناچیز، تبدیل به مادران تحصیل نکرده ای می شوند که دارای مهارت های ارزشمندی در خارج از منزل نیستند، قدرت اثر گذاری بر تصمیم گیری های خانواده را ندارند، دخترانشان نیز مانند خودشان از آموزش محروم می

مانند و دور باطل ادامه می یابد. در حالیکه پسران برای آموزش به مدرسه فرستاده می شوند، دختران برای ایفای نقش‌های سنتی در خانه می ماندند، در نتیجه دانش نیاموخته و مهارت نیافته باقی می ماندند و شرایط لازم برای مشارکت اقتصادی برایشان فراهم نمی شود. اقتصاد آسیب می بیند، هنجارها و فرهنگ سنتی و تبعیضات کلیشه‌ای جنسیتی کهنه بر جای خود می ماندند و اولین نیروی محرکه توسعه که نوزایش اندیشه‌ها و تواناسازی پتانسیل‌هاست خاموش و بی اثر می شود و افراد تحت نظام‌های غلط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، خود به عواملی مقاومت کننده در برابر توسعه تبدیل می شوند از این منظر در جوامع توسعه نیافته یا در حال توسعه چون ایران که با فقر سرمایه‌های انسانی و پدیده فرار مغزها مواجه است، زنان می توانند «نیروی شتاب دهنده» توسعه محسوب شوند.^۱ جامعه امروز ایران، جامعه‌ای در حال گذار از همه ابعاد اقتصادی، فرهنگی، نقشی و اجتماعی است. متعاقب این گذار الگوهای موجود باید برای تطابق با شرایط پویا انعطاف پذیری که ناشی از توسعه سریع و همه جانبه کشورهای جهان است تغییر یابند. در میان این تغییرات مسلماً تعارض سنت و مدرنیته خود را نشان خواهد داد و به گفته اقتصاددان معروف جان مینارد کینز، "توسعه تقابل نو و کهنه است".^۲ حال با توجه به اهداف بلند توسعه گرا که تقاضای نامحدود را به جدال با منابع محدود می کشاند، این پرسش به جاست که در روند توسعه باید منابع اقتصادی را به کدام سمت، جهت داد؟ پاسخ این سؤال بیش از آنکه معطوف به منابع فیزیکی باشد متمرکز بر منابع انسانی است و در منابع انسانی موجود، «زنان» به عنوان

۱ - عبدالله جیروند، توسعه اقتصادی «مجموعه عقاید»، (تهران: مولوی، ۱۳۶۸) ص ۲۹.

۲ - همان، ص ۳۰.

بخشی که کمتر مورد توجه و پرورش قرار گرفته‌اند در کانون توجه اقتصاددانان توسعه گرا قرار می‌گیرند، چنانکه لارنس ایچ سامرز، رئیس بخش اقتصاد و توسعه و اقتصاددانان ارشد بانک جهانی در این زمینه می‌گوید:

«معتقدم که در صورت شناخت تمامی منافع، سرمایه‌گذاری در آموزش دختران، شاید پر بازده‌ترین سرمایه‌گذاری در جهان در حال توسعه باشد»^۱

در این تحقیق بر آن خواهیم بود که دریابیم آیا میان تحصیلات زنان با توسعه اقتصادی ارتباطی منطقی وجود دارد یا نه؟ و اگر این ارتباط موجود است، عوامل موثر بر آن چیست؟ و در شرایط امروزی، جامعه با این منبع توسعه‌ای در چه چالش‌هایی قرار می‌گیرد و از بابت آن چه فرصت‌ها و چه تهدیداتی معطوف به توسعه کشور است؟

چارچوب نظری تحقیق:

در این تحقیق عامل تحصیلات زنان به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شود تا تاثیر آن بر توسعه اقتصادی به عنوان متغیر وابسته بررسی شود.

یافته‌های تحقیق نشان داد که رابطه «مستقیمی» بین دو متغیر مستقل و وابسته وجود ندارد و این رابطه در خلال سه متغیر میانجی ظاهر می‌شود. متغیرهای میانجی بین تحصیلات زنان و توسعه اقتصادی به عنوان عوامل متأثر از تحصیلات زنان و موثر بر توسعه اقتصادی تعریف شوند که عبارتند از: (۱) عامل فرهنگی - اجتماعی، (۲) عامل انسانی و (۳) عامل اقتصادی.

بنابراین الگوی نظری تحقیق به صورت شماتیک به شرح زیر به دست آمد:

^۱ - همان، ص، ۳۳.